

Revisiting Al-Kindi's "Treatise on The Art of Dispelling Sorrows" in the Framework of Philosophy as a Way of Life

Seyed Amirreza Mazari¹ 

1. PhD, Department of Philosophy, Faculty of Law, Theology and Political science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. Email: mazari.amir@gmail.com

Abstract

As the first Muslim philosopher, Al-Kindi developed a philosophical framework based on his monotheistic perspective, as evidenced by his surviving treatises. Although his philosophical system is eclectic, its religious framework clearly distinguishes it from his non-Muslim predecessors. This distinction becomes more apparent in his practical treatise on coping with sorrows. It seems that Al-Kindi's philosophy can be considered a model of philosophy as a way of life. In the concept of philosophy as a way of life, pioneered by the French philosopher Pierre Hadot, a distinctive understanding of ancient philosophy is provided. This understanding can also be applied to the study of philosophy in the Islamic world. By examining Al-Kindi's philosophical system through Hadot's perspective, a different understanding than previously thought may emerge. This research aims to analyze aspects of Al-Kindi's way of life influenced by his monotheistic view, with a focus on his treatise. Initially, we will provide a brief overview of philosophy as a way of life and Stoic thought to revisit the ultimate goal of philosophy according to Al-Kindi. In the light of Hadot's approach, we will analyze the similarities between Al-Kindi's treatise and Stoic thought and then demonstrate that our approach to the fundamental difference in Al-Kindi's response to sorrow from the Stoics is based on his way of life.

Keywords: Al-Kindi, Philosophy as a Way of Life, Pierre Hadot, Sorrow.

Introduction

For many philosophers, human happiness represents the highest good that one can achieve. The ultimate goal of philosophy is to attain this happiness. The idea of philosophy as a way of life was first introduced by Pierre Hadot, a French philosopher. Hadot presents a view of ancient philosophy that contrasts with contemporary understandings of the tradition. According to Hadot, philosophy is a practice aimed at achieving wisdom, with the philosopher guided by the sage to reach happiness (Hadot, 1995, p. 57). Hadot's interpretation of ancient philosophical texts can also be applied to Islamic thought. It seems that studying Muslim philosophers through the lens of philosophy as a way of life could provide a new understanding of their work. Therefore, we will analyze Al-Kindi's thought, which intersects Greek philosophical ideas with his religious outlook. This analysis will focus on Al-Kindi's treatise "Skills for Coping with Sorrows" and demonstrate how understanding Al-Kindi's views within the framework of philosophy as a way of life can be particularly insightful.

Research Findings

In the perspective of philosophy as a way of life, the ultimate goal of philosophical practice is the transformation of the individual towards becoming their best self in the world. The essence of this transformation lies in spiritual exercises (Hadot, 2002, p. 5). Spiritual exercises in each school of thought represent the philosopher's effort to become the ideal sage of their tradition. The Stoic school, which significantly influenced Al-Kindi's thought, saw the ultimate goal of life as living in harmony with and following nature, considering virtuous living and acceptance of one's fate as fundamental conditions for achieving presumed happiness (Robertson, 2013, p. 57). Al-Kindi is a philosopher who not only drew from various Greek traditions but whose entire being and life are interwoven with Islamic teachings. Like other thinkers, he sought to explain the existential realities, including religion, through his monotheistic perspective. Al-Kindi's treatise *Skills for Coping with Sorrows* is a prime example of his philosophical practice in action, where he views philosophy as a way of life. He offers spiritual exercises similar to those of the Stoics for dealing with sorrow, rebukes his audience for their erroneous way of thinking about the world, challenges the idea that things are as we want them to be, and advises that we should focus on what is achievable and not mourn what is lost (Al-Kindi, 2024, p. 24). The goal of these exercises is to achieve happiness or gain knowledge that leads to an understanding of one's true nature or alignment with the divine, and to act accordingly.

Conclusion

What distinguishes Al-Kindi from the Stoics is his monotheistic perspective. His existential view incorporates elements that are not Stoic, reflecting a deeper, religious dimension. Al-Kindi regards philosophy as a way of life and sees the attainment of happiness as involving both knowledge and practice. His focus on the Creator God transcends the Stoic idea of harmony with nature, setting his approach apart from the Stoics. Al-Kindi blends Stoicism with elements of Islamic theology and Neoplatonic metaphysics, creating a philosophical approach that aims to cultivate a philosopher who models themselves after the divine. Al-Kindi's intellectual project facilitates a return to oneself, allowing individuals to achieve true peace and align with divine will. The philosopher strives to become more like the divine act in his pursuit of self-perfection.

Cite this article: Mazari, S. A. (2025). Revisiting Al-Kindi's "Treatise on The Art of Dispelling Sorrows" in the Framework of Philosophy as a Way of Life. *Philosophy and Kalam*, 57 (2), 333-348. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jftp.2024.376417.523502>



Article Type: Research Paper

Received: 18-May-2024

Received in revised form: 30-Jul-2024

Accepted: 31-Jul-2024

Published online: 18-Feb-2025

بازخوانی رساله مواجهه با اندوه کندی بر اساس فلسفه به مثابه روش زندگی

سید امیررضا مزاری^۱

۱. دانش‌آموخته دکترا، گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه: mazari.amir@gmail.com

چکیده

کندی به عنوان نخستین فیلسوف مسلمان، طرحی فلسفی را مبتنی بر نگرش توحیدی‌اش از رسائلی که از او به جا مانده است، ارائه کرده است. با وجود اینکه، نظام فلسفی او التقاطی است، اما چهارچوب دینی آن، تمایز جدی نظام وی را از متقدمان غیر مسلمانش نشان می‌دهد. این تمایز به وضوح در رساله عملی وی یعنی مهارت‌های رویارویی با اندوه مشخص‌تر می‌شود. به نظر می‌رسد که می‌توان فلسفه کندی را به مثابه یک مدل از فلسفه به مثابه روش زندگی در نظر گرفت. در فلسفه به مثابه روش زندگی که معمار آن پی‌یر آدو، فیلسوف فرانسوی است، فهم متمایزی از فلسفه باستان در اختیار ما قرار می‌گیرد. می‌توان چنین فهمی از فلسفه را در خوانش فلسفه در جهان اسلام نیز دنبال کرد. چنانچه با نگرش آدو نظام فلسفی کندی را مورد مطالعه قرار دهیم، فهمی متفاوت از آنچه تاکنون پنداشته شده است حاصل می‌گردد. این پژوهش تلاش می‌کند تا با تأکید بر رساله کندی، وجوهی از روش زندگی او که متأثر از نگرش توحیدی او است را مورد تحلیل قرار دهد. در ابتدا با بیان مختصری از فلسفه به مثابه روش زندگی و اندیشه رواقیون، غایت فلسفه ورزی نزد کندی را بازخوانی می‌کنیم. در پرتو نگرش آدو وجوه مشترکی از رساله کندی با اندیشه رواقیون را تحلیل و سپس نشان خواهیم داد که رهیافت ما مبنی بر تفاوت بنیادین کندی در مواجهه با اندوه از رواقیون مبتنی بر روش زندگی او است.

کلیدواژه‌ها: کندی، فلسفه به مثابه روش زندگی، پی‌یر آدو، اندوه.

استناد: مزاری، سید امیررضا (۱۴۰۳). بازخوانی رساله مواجهه با اندوه کندی بر اساس فلسفه به مثابه روش زندگی. فلسفه و کلام اسلامی، ۵۷ (۲)، ۳۴۸-۳۳۳.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/jitp.2024.376417.523502> بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰



مقدمه

برای بسیاری از فیلسوفان، سعادت انسان بالاترین خیری است که انسان می‌تواند بدست آورد. غایت فلسفه‌ورزی رسیدن به سعادت است. بنابراین امر فلسفه ورزیدن در زیست آدمی از اهمیت بالایی برخوردار می‌شود. ایده فلسفه به مثابه یک روش زندگی را اولین بار پی‌یر آدو مورخ و فیلسوف فرانسوی مطرح کرد. تصویری که او از فلسفه در دوران باستان ارائه می‌کند متمایز با درک فعلی فیلسوفان امروزی از سنت فلسفه باستان است. فلسفه در نزد آدو تمرینی برای رسیدن به حکمت است و فیلسوف تحت هدایت حکیم یا مرد آرمانی خرد قرار می‌گیرد تا به سعادت برسد.

خوانشی که آدو از خواندن متون فلسفه باستان ارائه کرد را می‌توان در اندیشه و فلسفه اسلامی هم دید. به نظر می‌رسد چنانچه با الگوی فلسفه به مثابه شیوه زندگی به مطالعه آرای فیلسوفان مسلمان بپردازیم در این صورت فهم متفاوتی از آن‌ها پیدا خواهیم کرد. در پرتو چنین ایده‌ای در این پژوهش، تلاش خواهیم کرد تا اندیشه‌کندی، اولین فیلسوف اسلامی را بازخوانی کنیم. او با تلاقی و پیروی از اندیشه‌های مکاتب یونانی و هلنی و با توجه به صبغه دینی خود، نظام فلسفی را ارائه کرد که به نظر می‌رسد ایده فلسفه به مثابه روش زندگی در تطابق و هماهنگی کامل با اندیشه او دارد. لذا می‌توان فلسفه به مثابه روش زندگی را به عنوان قرائت کل‌نگرایانه از نظام فلسفی او به جهت درک اندیشه وی به خدمت گرفت.

برای این منظور پژوهش حاضر، بر رساله «مهارت‌هایی برای رویارویی با اندوه» کندی متمرکز شده و نشان خواهد داد که در نگرش فلسفه به مثابه روش زندگی، فهم آرای کندی کارآمد و پویا است. لذا در ابتدا تقریری از ایده فلسفه به مثابه شیوه زندگی ارائه می‌کنیم. سپس طرح مختصری از فلسفه کندی را توضیح داده و در ادامه با بررسی ریشه‌های رواقی اندیشه کندی در رساله مزبور، نشان می‌دهیم گسست فکری کندی از رواقیون مبتنی بر همان نگرش وجودی وی است. این امر ما را به ایده فلسفه به مثابه روش زندگی در نزد کندی رهنمون خواهد ساخت.

۱. پیشینه تحقیق

در باب مسئله این پژوهش، پژوهش‌هایی به زبان فارسی صورت گرفته‌است که ضمن معرفی و گزارش آن‌ها، به ابتکار این پژوهش از سایر پژوهش‌ها اشاره می‌شود. اکبر زاده در پژوهش خویش (۱۳۸۹)، راهکارهای مقابله با اندوه را از منظر کندی تبیین می‌کند و رویکرد او را در حوزه روانشناسی اخلاق بر می‌شمرد. بخشنده بالی (۱۳۹۸) در مقاله خود، ضمن بررسی و مقایسه رویکردهای کندی و سهروردی، با ذکر دو معنا از حزن معنوی و مادی، تلاش می‌کند تا نگرش وجودی هر دو فیلسوف را از دو جنبه شباهت و تفاوت پرداختن به موضوع در جهت پیشگیری حزن مادی، بنیان تفکر آنان مفروض بینگارد. همین نویسندگان در پژوهشی دیگر (بخشنده بالی، ۱۳۹۹) با تحلیلی مقایسه‌ای از کندی، رازی و ابن‌حزم

به جهت کنترل اندوه دنیوی، رویکرد رازی و ابن حزم را ژرف‌تر عنوان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که اتخاذ بینش عقلانی، انسان را در رفتار درست و کنترل اندوه کمک خواهد نمود. ضمن اینکه هر سه پژوهش در جای خود مورد تقدیر است، اما رویکرد این پژوهش اساساً خوانش متون فلسفه اسلامی بر اساس ایده فلسفه به مثابه روش زندگی است؛ ایده‌ای بدیع که می‌تواند ما را در فهم متون سنت دینی یاری فراوان رساند.

۲. فلسفه به مثابه روش زندگی

تصویری که آدو از فلسفه در نزد فلاسفه باستان ارائه کرد فهم بسیاری از متفکران امروزی در باب دوران باستان را به چالش کشید. آدو متأثر از مفاهیم بازی زبانی، شیوه زندگی ویتگنشتاینی، بر تمایز مطالعه متون فلسفه در دوران باستان از متون امروزی فلسفه تأکید کرد (Sharpe, 2021: 3-4). از منظر آدو هدف نهایی فلسفه، دگرگونی فرد است که از طریق تأمل و تعمق به دست می‌آید. پس از ضیافت افلاطون، فیلسوف می‌پذیرد که حکیم نیست. او در جستجوی حکمت است (Hadot, 2002: 6). فلسفه‌ورزی در نزد فیلسوفان باستان درواقع تمرینی برای تبدیل کردن خودشان به بهترین نسخه‌ای که می‌توانند در پرتو تقرب به حکیم باشند است. فلسفه برای فیلسوفان باستان هنر زندگی بود و لذا تغییر و دگرگونی فیلسوف، اساس فلسفه‌ورزی است (Chase, 2024: 137). در زمان گفتگوهای افلاطونی، سقراط را اتوپوس^۱ می‌نامیدند. اتوپوس یعنی سازش‌ناپذیر و امری که او را سازش‌ناپذیر می‌کند این است که او عاشق خرد است. به همین لحاظ فیلسوف یعنی عاشق حکمت و خرد، بیگانه با دنیای بیرون می‌شود. به عقیده دیوتیما در ضیافت افلاطون، حکمت یک وضع انسانی نیست، یک حالت کمال وجودی و معرفتی است که می‌تواند معنوی باشد. عشق به این حکمت است که با دنیا بیگانه‌است و فیلسوف را در آن عشق بیگانه می‌کند (Hadot, 1995: 57). همچنین هر مکتب در دوران باستان تصویری از مرد کامل حکیم ارائه می‌کند. مردی کامل که فیلسوف هیچ‌گاه به آن نمی‌رسد (ibid). فیلسوف می‌داند که وضعیت طبیعی انسان باید حکمت باشد، زیرا حکمت چیزی جز نگرستن به اشیا آنچنان که هستند نیست، فیلسوف در جستجوی حکمت، دارای بینشی نسبت به جهان می‌شود که فقط در پرتو مرد حکیم امکان تحقق می‌یابد. اما فیلسوف می‌داند که این وضع آرمانی و غیرقابل دسترس است. فیلسوف خود را در دنیای بیگانه احساس می‌کند و دیگران نیز او را انسان متفاوتی می‌پندارند. این امر موقتاً در زندگی روزمره وی رخ می‌دهد جاییکه او باید به دنبال رسیدن به شیوه زندگی باشد که کاملاً با دنیای روزمره یکسان است (ibid).

در مکاتب مختلف یونان باستان، انتخاب یک مکتب که براساس گرایش وجودی فرد صورت می‌گرفته است درواقع تلاش برای زیست متفاوت با جهان خود بوده است. البته استفاده از واژه معنوی به معنای دینی آن مدنظر آدو نیست. آنچه آدو از این واژه مراد می‌کند درواقع حرکت و پیشرفت به سمت تعالی است. به عنوان مثال در مکاتب مختلف یونانی همچون رواقیون، با پذیرش سختی‌ها، زندگی روزمره و ارتباط خود با دیگران را به شیوه‌ای فلسفی زیست می‌کردند. فردی که به مکتب رواقیون می‌پیوست، از وضع فعلی خود ناراضی بود. این وضع ناراضی او را به سمت مکاتب فلسفی می‌کشاند. او در یک زیست رواقی همراه با آموزش فلسفی قرار می‌گرفت. این زیست درواقع یک حرکت، یک پیشرفت معنوی به سوی وضع متعالی بود. به عبارتی فیلسوف با پذیرش آموزه‌های درونی هر مکتب و انجام تمرین‌های عقلی و فیزیکی برای تعالی خود، تلاش می‌کرد تا در پرتو حکیم آرمانی، بهترین خود را در جهان ارائه کند. بهترین نسخه‌ای که می‌توانست در مکتب انتخابی خودش به آن دست یابد.

همه مکاتب باستان نشانگر شکلی از زندگی بودند که با آرمان خرد تعریف می‌شدند و در هر مکتب تمرینی برای کسب اطمینان از پیشرفت معنوی به سمت وضع ایده آل حکیم طراحی شده بود. آدو خود این تمرین‌ها را اینگونه معرفی می‌کند:

من این عبارت را برای فعالیت‌هایی به کار می‌برم که می‌توانست بدنی مانند برنامه غذایی یا گفتاری مانند گفت‌وگو با دیگری و خود و تعمق گونه‌ای مانند تأمل و مکاشفه باشد. هدف تمام این تمرین‌ها این بود که دگرگونی در فرد مجری آن فعالیت‌ها ایجاد کند (Hadot, 2002: 5). تمرین‌های معنوی^۲ در هر مکتب باورهای عمیق و عادات او را تغییر می‌داد. این تغییر باعث یک دگرگونی معنوی و اخلاقی باثبات برای او می‌شد.

در نتیجه فلسفه در نزد فیلسوفان باستان شیوه زندگی فیلسوفانه‌ای بود که هم مبتنی بر گفتار فلسفی محض بود و هم زندگی فلسفی. فلسفه در نزد باستان از گفتار فلسفی آن جدا نیست و گفتار فلسفی درواقع نشانگر همان شیوه زندگی بود، نشانگر انتخاب اصیل او در مقام انسان بود. گفتار فلسفی از لحاظ نظری زندگی که فرد گزینش کرده است را موجه می‌کرد (ibid).

فلسفه‌ورزی به زعم آدو در دوران باستان یک تمرین فکری و ارادی بود که کل وجود فرد را با آن درگیر می‌کرد تا تحول وجودی در او به سمت حکمت و حکیم آرمانی شکل بگیرد. جنبه عملی فلسفه نه صرفاً اخلاق، بلکه تمام بخش‌های فلسفی مانند فیزیک و منطق را نیز شامل می‌شد.

به همین منظور بیان شد که آدو فهم از فلسفه باستان را در جهان اندیشه امروز تغییر داد. او در اینکه جهان فلسفه امروز گرایش به سمت تئوری دارد و آن را مقابل پراکتیک قرار می‌دهد را در عدم

فهم صحیح واژه تئوریتیک^۳ و تئوریک^۴ می‌داند. به زعم خیلی از متفکران در حوزه‌های دیگر فلسفه نیز فلسفه مدرن، عمل در فلسفه‌ورزی را به نفع چهارچوب نظری معنا و مفهوم فلسفی کنار گذاشته است (Toulmin, 2001: 136). آدو با پیشینه مطالعاتی خود در حوزه تاریخ وجه تمایز فلسفه‌ورزی در جهان باستان و جهان مدرن را در بدفهمی واژگان تئوریتیک و تئوریک به خصوص در نزد ارسطو می‌داند. او بیان می‌کند سنت غربی مدرن متأثر از ارسطو به این امر دقت نکرده است که ارسطو از واژه تئوریتیک استفاده نکرده است و این واژه در متون غیر فلسفی به معنای اشاره و ارجاع به فرایند رخدادهای متوالی بکار می‌رفته است. در فلسفه مدرن، تئوریک نقطه مقابل پراکتیک است اما ارسطو واژه تئوریتیک را به کار گرفته که غایتش معرفت برای جستجوی معرفت است. از این منظر آدو بیان می‌دارد که تئوریتیکال واژه‌ای مقابل پراکتیکال نیست. بلکه بخشی از زیست فلسفی فیلسوف است در حالیکه مراد فلسفه امروز از تئوریک یعنی دانش نظری که مبتنی بر استدلال‌ورزی و توانایی تبیین است (Hadot, 2002: 80-81). آدو بیان می‌کند که در هر دو بعد تئوریتیک و عملی (پراکتیک) کمال فلسفه در ارتباط با سعادت است. لذا تئوریتیک با فلسفه‌ورزی عملی (پراکتیکال) زیست شده و فعال که به سمت سعادت در حرکت است همراهی و انسجام دارد (ibid). اساسا فلسفه به مثابه شیوه زندگی، کل‌گرایانه است و آدو با تفکیک واژگان تئوریتیک و تئوریک بیان می‌دارد که اساسا فلسفه‌ورزی از رشته‌ای صرفا نظری (تئوریک) با هدف اندوختن دانش در باب جهان فراتری می‌رود و مسیری معنوی می‌شود. که در آن عامل به فلسفه ورزیدن به سوی سعادت و تقرب به حکیم رهنمون می‌گردد. در فلسفه باستان، نقطه شروع شیوه عملی زندگی است و آموزه‌های نظری و جهان‌بینی خاص هر مکتب از گزینش وجودی او نشأت می‌گیرند.

با این مختصر از اندیشه و خوانش آدو از فلسفه باستان به نظر می‌رسد می‌توان فلسفه در جهان اسلام را با چنین خوانشی درک کرد تا موثرتر و کارآمدتر برای عصر امروز باشد. درواقع فیلسوفان مسلمان فلسفه به مثابه شیوه زندگی را می‌پذیرند. کندی اولین فیلسوف مسلمان مثال خوبی از ایده آدو می‌تواند باشد. او با توجه به نگرش دینی خود، زیست فلسفی خود را با زمینه توحیدی‌اش مرتبط می‌سازد. هدف از تمرین فلسفه‌ورزی در مرحله اول دستیابی به درک نظری از غایت جهان از طریق استدلالی عقلانی است و در نهایت فلسفه در خدمت هدف عملی‌تری یعنی رشد انسان به سوی کمال قرار دارد.

در ادامه ابتدا شرحی مختصر از تفکر رواقی ارائه کرده و سپس با توضیحاتی از طرح فلسفی کندی زمینه را برای بازخوانی رساله او یعنی مهارت‌های رویارویی با اندوه به عنوان نمونه‌ای از روش زندگی فلسفی فراهم خواهیم آورد.

^۳ تئوریتیک: Theoretical واژه‌ای از ریشه لاتین Theoretikos

^۴ تئوریک: Theoretic واژه‌ای از ریشه لاتین Theoriai

۳. شرح کوتاهی از تفکر رواقی

در باب رواقیون، مطالب فراوانی در کتب و مقالات متفاوتی از جنبه‌های مختلف تحلیل شده‌است. در اینجا، با مختصری از کلیات اندیشه رواقی، تلاش می‌کنیم تا تمایز اندیشه‌های کندی در رساله‌اندوه را وضوح ببخشیم. تجربه رواقی در آگاه شدن از وضع تراژیک انسانی است که سرنوشت بر او حاکم است. آموزه‌های آنان در جهت ارائه راهکاری است برای زندگی خوب با این شرایط تراژیک انسانی اساس تفکر و شیوه زندگی رواقی است. تصمیم به انجام کار خیر و رفتار عاقلانه تنها چیزی است که سرنوشت نمی‌تواند آن را از انسان سلب کند (Hadot, 2002: 127). گفتار فلسفی رواقی سه بخش متمایز فیزیک، منطق و اخلاق داشته‌است (ibid: 128). بر این مبنا سه آموزه در رواقیون وجود دارد که مبنای شیوه فلسفی و گفتار نظری آن‌ها را شکل می‌دهد این آموزه‌ها در جهت حصول به زندگی فضیلت‌مند اند:

۱. هدف زندگی در توافق با طبیعت از طریق پذیرش مشتاقانه امور خارج از کنترل.
 ۲. تلاش برای پرورش عقل و حرکت و تعالی به سمت حکمت و فضیلت کامل یا سعادت مبنی بر زیست هماهنگ با طبیعت خود.
 ۳. زندگی در هماهنگی با بقیه انسان‌ها و توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های هر انسان در حد توان عقلی.
- برای گذران یک زندگی خوب یا به تعبیری همان سعادت باید دو امر زیر خوب فهمیده می‌شود سرشت جهان و در مفهومی وسیع‌تر جایگاه یک فرد در آن و ماهیت استدلال انسان (پیلیوچی، ۱۴۰۰: ۵۰) سه حوزه فیزیک، منطق و اخلاق هرکدام با چهار فضیلت در ارتباط هستند.
- یادگیری فیزیک یعنی راهی برای فهم نظم و انضباط در میل یا پذیرش است. فیزیک به ما می‌گوید که خواستن چه چیزی شایسته‌است و چه چیزی شایسته نیست. این تفاوت باعث می‌شود که نحوه عملکرد جهان را دریابیم و کسانی که فیزیک نمی‌دانند مرتکب این اشتباه می‌شوند که گمان می‌کنند بر امور بیش از توان واقعی‌شان کنترل دارند. فضیلت حاصله فیزیک، اعتدال و شجاعت است. شجاعت یعنی رویارویی با واقعیات و عمل براساس آن‌ها و خویش‌داری یعنی کنترل امیال و هماهنگ ساختن آن با امور دست‌یافتنی.

از حوزه اخلاق رواقیون می‌آموزند که در عمل فرد رواقی منضبط باشد به این معنا که اخلاق رواقی بیان می‌کند چگونه انسان در جهان رفتار کند. فضیلت حاصله آن عدالت است. منطق رواقی می‌آموزد که چگونه انسان در موقعیت‌ها واکنش نشان دهد و در تصدیق یا تکذیب عواطفش چگونه باشد. فضیلت فرونسیس حاصل پرورش و منطق رواقی است.

با این توضیح مختصر می‌توان درک کرد که چرا رواقیون معتقدند باید با طبیعت هماهنگ باشیم و از آن پیروی می‌کنیم. رواقیون با ایده هماهنگی با طبیعت، در چگونگی یافتن حس هدف‌داری در

زندگی، چگونگی مواجهه با رنج‌ها، مهار خشم و کنترل و تعدیل امیال، دست‌یافتن به منشا شادی و تاب‌آوری در رنج و همچنین شجاعت در مواجهه با فقدان را می‌آموزند (رابرتسون، ۱۴۰۲: ۲۸). فهم چنین امری کمک می‌کند ما به زندگی مطلوب‌مان از جمله مطلوب‌های بیرونی مانند سلامت، ثروت یا فقدان آن‌ها را در منظر مناسبی قرار دهیم.

رواقی‌گری غایت اصلی زندگی را در توافق با طبیعت و پیروی از آن می‌داند. این زندگی رواقی در دو سطح تعبیر می‌شد. در سطح اول آن‌ها با کسب فضائل می‌کوشند براساس ذات انسانی خود به مثابه مخلوقات عقلانی و اجتماعی زیست کنند. زیرا آن‌ها بر این باور بودند که طبیعت هدف‌دار است و توانایی ما برای استدلال کمال خود یعنی رسیدن به حکیم آرمانی یا حکمت را نشان می‌دهد. در سطح دوم، پیروی از طبیعت به این معنا است که انسان جایگاه خود را در یک کل می‌بیند و آن را می‌پذیرد. به این معنی که او سرنوشت خود را تا جایی که تغییر آن از کنترل او خارج است بپذیرد. این دو سطح یعنی فضیلت‌مندانه زیستن و پذیرش سرنوشت خود، انسان را به سعادت می‌رساند (Robertson, 2013: 57). از نظر رواقیون، انسان ثروت را به فقر، سلامتی را به بیماری و احترام را به تحقیر ترجیح می‌دهد. آن‌ها بر این باورند که شخصیت و منشای فضیلت‌مند است که حقیقت خوب باشد و هرگز نباید در طلب این مطلوب‌های بیرونی به خود آسیب وارد کنیم و فقدان آن‌ها ما را به غم یا اندوه برساند اینطور هم نباید فکر کنیم که هیچ یک از این مطلوب‌های بی‌تفاوتی‌ها مرجح^۵ به تعبیر رواقیون می‌توانند به خودی خود ما را سعادتمند کنند (سلرز، ۱۴۰۰: ۱۹).

۴. طرح فلسفه کندی

۴-۱. کلیاتی از نظام فلسفی او

کندی فلسفه را پروژه نظری برای شناخت حقیقت تا قدر توان انسان نمی‌پذیرد بلکه آن را شیوه زندگی عملی یا هنر زندگی مبتنی بر همان پروژه نظری تصور می‌کند. او ارتباط میان فیزیک، معرفت‌شناسی و اخلاق را درک می‌کند. درواقع از منظر کندی اگر انسان امری را به عنوان حقیقی‌ترین چیز بپذیرد، این پذیرش می‌تواند تأثیر عمیقی بر زندگی‌هایی که انتخاب می‌کند و اینکه چگونه فردی شود داشته باشد. او فلسفه را به طور نظری، به دانشی در باب واقعیت واقعی چیزها براساس طاقت و توانایی بشر تعریف می‌کند و بیان می‌کند هدف فیلسوف این است که در دانش خود به حقیقت برسد و براساس آن در اعمال خود عمل کند (کندی، ۱۳۸۲: ۸).

این شاید جان‌مایه اندیشه کندی باشد، به این معنا از منظر او عالی‌ترین صناعات بشری از جهت جایگاه و شریف‌ترین آن‌ها از جهت منزلت، صنعت فلسفه است (کندی، ۱۳۸۷: ۸). غایت فلسفه در نزد او با توجه به نگرش توحیدی‌اش تقرب به خدا است. او با اشاره به صفت قرآنی حق، خداوند را به

^۵ Preferred indifferents

آن متصف می‌کند و بیان می‌دارد که هرچیزی که دارای هستی است حقیقت دارد و خداوند اولین حقیقت است که علت تمامی چیزهایی که هستی دارند و علت تمام حقایق است (Adamson, 2007: 22). او حقیقت را با علم ربوی و علم وحدانیت و علم فعلیت یکی می‌داند و درواقع فلسفه در نزد کندی تشبیه یافتن به حق است. کاربرست حق در نزد کندی در معنای وجودی است. علم‌العلم و حکمه‌الحکما به انسان امکان می‌دهند تا خود را بشناسد. فلسفه نزد کندی مطالعه ذات و عمل است اما تا حد طاقت بشر. زیرا از منظر کندی این تلاش‌ها هرگز نمی‌توانند به درک حقیقت غایی یعنی خدا نائل شود (Lim, Viegas, 2017: 54). او غایت فیلسوف را در علمش رسیدن به حق و در عملش عمل به حق می‌داند. بنابراین از منظر او هدف غایی فلسفه‌ورزی توانمند کردن انسان در نیل به سمت سعادت است.

به عبارت دیگر اگر همانطور که بیان شد غایت فلسفه را از منظر سعادت بنگریم، در این صورت فلسفه به مثابه یک روش زندگی حاصل خواهد آمد که فعالان را در فعل فلسفی به سوی هدف نهایی وجود انسان هدایت می‌کند. بیان شد که هدف فیلسوف در نزد کندی این است که در دانش خود به حق برسد و براساس آن در اعمال خود عمل کند (کندی، ۱۳۸۷: ۱۰).

از آنجائیکه سعادت در دنیایی مادی تنها با تأمل بدون اصلاح همزمان اخلاقی نفس نمی‌توان دست‌یافت لذا زندگی فلسفی درنهایت از دو بعد دانش و پرورش فضائل عقلی و اخلاقی تشکیل شده است.

جستجوی فلسفی برای حقیقت در نزد کندی از باور دینی او فاصله نمی‌گیرد زیرا او استدلال می‌کند که انکار آموزه‌هایش با کفر برابری می‌کند (Adamson, 2007: 25).

در نظر کندی، حقیقت اول دلیل هر امر حقیقی است و علم به متافیزیک علم به عمل اشیا است. به این معنا از نظر او خداوند در رأس عالم هستی و فاعل حقیقتی همه امور است. خداوند فاعلی است که بدون اتصال از هر فاعلی فعلیت دارد. در صورتی که مخلوقات هم فعل و هم انفعالند، آن‌ها از جمله فاعل‌ها و منفعل، به شمار می‌آیند، به این معنا خدا به طور مستقیم نسبت به هر امری، فعلیت دارد. خدا با مخلوقات به طور مستقیم در ارتباط است. لذا الهیات در نزد کندی بخشی از فلسفه است که منطق آن را پشتیبانی می‌کند. پرسش انسان از زندگی و آفرینش امری طبیعی بود و در راستای پاسخ به این پرسش او به این نتیجه برسد که خالق برتر مسئول هر چیزی در هستی است (Lim, Viegas, 2017: 55).

در عین حال و با توجه به از مباحث عمیقی که کندی در باب انواع فعل و فاعل بیان می‌دارد و همچنین ریشه‌های فکری چنین آموزه‌های فلسفی نزد کندی، می‌توان بیان داشت که از منظر او جوهر نفس آدمی الهی است. این نفس، متشبه به الله می‌گردد و توان درک همه‌ی آنچه در عالم است را دارد و نور الهی که در او تابیده معنا یافته و با او یکی می‌شود. بنابراین آنچه در اینجا مهم است این است که فلسفه کندی مبتنی بر نگرش توحیدی‌اش، پس از تبیین فاعل حقیقی و نامتناهی برای عالم

جهان محسوس و متناهی و با توجه به نسبت انسان در هستی با مبدأ حقیقتی عالم و ریشه دینی وی یعنی دمیدن روح الهی در انسان تهذیب نفسی را در دنبال می‌کند که درواقع درون فلسفه عملی وی قرار می‌گیرد.

بنابراین نگرش توحیدی است که او فلسفه را شریف‌ترین دانش می‌داند. بر پایه آموزه توحیدی کندی، مفارقت نفس از بدن معنا پیدا می‌کند. این آموزه بنیادین در دستورالعمل‌های او به جا مانده همچون مهارت‌های رویارویی با اندوه و وضوح بیشتری می‌یابد و اساساً همین آموزه او را از رواقیون جدا می‌سازد. تلاش فکری کندی در جهت تبیین واقعیت‌های زیستی خود از جمله دین بوده‌است. انعکاس این آموزه‌ها و جستجوی تبیین فلسفی برای این آموزه‌ها در زیست و رسائل عملی‌اش منعکس شده‌است. به عنوان مثال، او با اندیشه التقاطی خود و متأثر از رواقیون، ایده آن‌ها را در باب اندوه می‌پذیرد. اما نگرش توحیدی خود را اعمال می‌کند. درواقع پایه تمایز اندیشه کندی و رواقیون در شیوه زندگی مبنی بر نگرش توحیدی او است. پروژه فلسفی کندی، گونه‌ای بازگشت به خویشتن را ارائه می‌کند. تداوم در کنترل احساساتی همچون اندوه می‌تواند شخص را به آرامش واقعی یا همان تقرب و تشبه به الله برساند. در ادامه، رساله در مهارت‌های رویارویی با اندوه را تحلیل می‌کنیم و نقاط اشتراک و انفصال کندی آن را از رواقیون بیان می‌کنیم.

۲-۴. رساله مهارت‌های مواجهه با اندوه

هدف از رساله، ارائه دلایلی است برای فائق آمدن بر اندوه و درنهایت ترغیب خوانندگان به زندگی فلسفی است. کندی رساله را به اصرار یکی از دوستانش به رشته تحریر درآورده‌است. این رساله مهمترین اثر باقیمانده کندی در اخلاق است که توصیه‌های عملی در باب سعادت و هنر دستیابی به سعادت را بیان می‌کند. کندی به پیروی از سنت یونان باستان، خصوصاً اپیکوریان و رواقیون در باب سعادت و راه‌های رسیدن به آن نوشتن رساله را انجام داده‌است. در این رساله او برخی تمثیل‌ها و حکایت‌ها را از سنت یونانی می‌گیرد، اما ایده اصلی آن مبتنی بر آموزه‌های اسلام است (Adamson, 2012: 275). با توصیفی از اینکه اندوه چیست و ریشه‌های آن کدامند رساله آغاز می‌شود. او بیان می‌کند اندوه رنجی روحی است که به دلیل از دست دادن امور مطلوب و دوست داشتنی و نرسیدن به خواسته‌ها و آرزوها به وجود می‌آید (کندی، ۱۴۰۲: ۲۲) و نتیجه می‌گیرد که علت اندوه یعنی فقدان داشته‌ها و نرسیدن به خواسته‌ها است، و پرسش بنیادین خود را مطرح می‌کند: آیا کسی می‌تواند از این علت‌ها رها گردد؟ او با تأسی از رواقیون مخاطب را به تداوم در شیوه غلط اندیشیدن به دنیا سرزنش می‌کند این ایده که امور همانطور هستند که ما می‌خواهیم را به چالش می‌کشد و بیان می‌کند که اوامر ما و مطلوب ما به چیزی تعلق گیرد که برای ما مقدور شدنی باشد و بر آن چه از دست می‌رود اندوه نخوریم (همان: ۲۴) لذا امور را همانگونه که هستند بپذیریم و خواسته‌های خود را به طور متناسب تنظیم کنیم.

در این بخش مقدماتی دو ایده نظری را کندی بیان می‌کند این دو ایده مقدمات دستورالعمل‌های عملی را در رساله فراهم می‌کند:

۱. با تأمل در تنوع خواسته‌های انسانی، کندی به این تصمیم می‌رسد که آنچه ما دوست داریم و یا از آن متنفر هستیم، ناشی از طبیعت ثابت انسانی نیست. بلکه از انطباق انسان است که در اثر عادت حاصل می‌گردد.

امور پسندیده و ناپسند حسی، امر ذاتی و ضروری در طبیعت انسانی نیست بلکه از عادت و تکرار ناشی شده است. (همان: ۲۶)

بنابراین باید عادات را تربیت کرد. تأکید کندی بر مفهوم تربیت به این خاطر است که بتواند تعالی خویشتن، رفتار مناسب و تهذیب شخصیت را در این مفهوم ارائه کند. در هنگام عادت‌های درست را ویژگی‌های شخصیتی انسان کند. به این معنا تصویر اصلی او در این اینجا یعنی پرورده شدن، و ساخته شدن براساس یک الگو است. این اصلاح یعنی الگو در اندیشه کندی تشبیه به حق معنا می‌دهد. اصلاح ویژگی‌های شخصیتی و تربیت عادات به معنای تطبیق با ویژگی‌های شخصیت انسان با صفات الهی است. به عبارتی این امر گونه‌ای تمرین است که در پرتو تربیت حاصل می‌گردد.

۲. کندی از مخاطب می‌خواهد که تنها باید از روح خواست که خود را به یک عمل کوچک اما قابل تحسین عادت دهد. زیرا این کار آسان‌تر است. به زعم کندی در درمان روح نه به خوردن دارو نیاز است و نه تحمل داغ نهادن با آهن (همان: ۲۸) با عادت کردن به امور کوچک می‌توانیم به مرتبه بالاتری برسیم که دستیابی به این مرحله، نیازمند به عادت کردن به امور کوچک است (همان). آموزه کندی در این باور او به این امر که بدن فانی است نهفته است. چنین نگاهی برآمده از همان نگرش توحیدی وی و آموزه مفارقت نفس از بدن است. به باور او نفس عاقله همان ماهیت و هویت شخص است، نفس بقا دارد درحالی‌که که جسم فناپذیر است.

در ادامه رساله کندی با بیان دستورالعمل‌هایی، درواقع تمرین‌های معنوی را بیان می‌کند که در پرتو آن‌ها شخص بتواند بر غم و اندوه فائق آید.

همانطور که بیان شد کندی در رساله‌اش متأثر از رواقیون است. فیلسوف مدنظر کندی همچون فیلسوف رواقی فردی است که ذات اشیا را درک کرده و علاوه بر این به دانش و درک اینکه چه چیزی در تملک اوست و چه چیزی نیست رسیده است. اما در عین حال با تأکید بر تمرین‌های معنوی و ضرورت خودشناسی شکل معتدل‌تری از تفکر رواقی ارائه می‌دهد.

نکته قابل تأمل، تمایز خاص کندی از رواقیون است. که ریشه در نگرش وجودی کندی دارد. ابتدا بحث مختصری از فلسفه رواقی را بیان کرده، سپس وجه تمایز کندی را شرح خواهیم داد. این تمایز بر مبنای خوانش آدو وجه ملموس‌تری می‌یابد و تأکید تفاوت‌گزینش وجودی توحیدی کندی را نسبت به رواقیون بهتر می‌توان دید.

۵. تمایز کندی از اندیشه رواقیون

با این وصف مختصر از نظام فلسفی کندی و رواقیون، می‌توان رساله کندی را دقیق‌تر بازخوانی کرد. همانطور که ذکر شد کندی ایده اصلی رواقیون را می‌پذیرد اما تفاوت جدی با آن‌ها در رساله دارد. در مهمترین تمثیل کندی با وام‌گیری از اپیکتوس، کشتی را مثال می‌زند که اهداف او را محقق سازد. کندی تلاش کرده‌است تا با تقریر جزئیات مثال اپیکتوس، رفتار مسافران را درحالی‌که به طور موقت در یکی از بنادر ساحلی متوقف شده‌اند تا نیازهایشان را برآورده سازند شرح دهد.

او با شرحی از مسافران که با دیدن مزارع، بوئیدن گلی و گوش دادن به آواز پرندگان، در آن بندر گم می‌شود تمثیل را شروع می‌کند. برخی از مسافران زود به کشتی برمی‌گردند زیرا فقط جذابیت‌ها را دیدند، برخی علاوه بر دیدن سنگ‌ها، میوه‌ها و گل‌ها را جمع‌آوری می‌کنند. اما بدون توجه به فضای کشتی و در طول مسیر همه آن‌ها را به دریا می‌اندازند. اما بدترین سرنوشت برای مسافرانی است که گم می‌شوند و به دعوت ناخدا گوش نمی‌دهند یا نمی‌شنوند.

ایده اصلی کندی در این تمثیل که متأثر از رواقیون است کاملاً صبغه دینی دارد. آن‌هایی دچار اندوه می‌شوند که سعی کردند خوشی خود را میان اشیاء رنگارنگ این دنیای فانی یابند و کسانی از اندوه نجات یافته‌اند که از آن خوشی‌ها گذر کردند.

کندی سفر دریایی را مشابه عبور انسان از این دنیا به علم‌الحق توصیف می‌کند. اندوهی که ناشی از بودن ما در این محل دنیا است. اگر قرار است که اندوه‌گین شویم، شایسته‌است که اندوه ما برای دور ماندن از اصل و محل خفیف خویش باشد، اندوه ما باید برای این باشد که اسیر امور عرضی و غیر حقیقی گشته‌ایم که ما را از هر مرکب و وسیله‌ای که می‌توانیم با آن به مقصد واقعی و وطن اصلی خویش برسیم، دور کرده‌است. (کندی، ۱۴۰۲: ۴۷)

او می‌افزاید که وطنی که در آن مصیبت و رنج نیست، چرا که در آن وطن، نه از دست دادنی است و نه حسرتی. اینکه انسان دچار اندوه می‌شود درواقع محصول ارزش دادن به امور فانی و گذرا است.

کندی می‌گوید، انسان‌ها درحال گذر از عالمی هستند که رو به هلاکت و نابودی می‌رود و ذاتی بی‌ثبات و گذرا دارد و نشانه‌های دروغین می‌فرستند. پایانی دارد که ابتدای دروغین آن‌را آشکار می‌سازد. بیچاره آن کس که دل به آن بندد و هر آن کس که از آن دوری گزیند آمرزیده شود. (همان) نکته مهم داستان علاوه بر وام‌گیری کندی از اپیکتوس، پذیرش ایده اخلاقی رواقی نزد کندی است به این معنا که ضرورت از دست دادن دنیا را درک کنیم. یا به زبان رواقی هر چیزی که داریم و هر چیزی که به آن دل بسته‌ایم فقط امانت است و هیچ چیزی را نمی‌توان تا ابد نگه داشت زیرا همیشه در این جهان نیستیم. (سلرز، ۱۴۰۰: ۷۱)

اما در عین حالی که عناصر مهم رواقی در اندیشه کندی متبلور است، کندی با نگاه دینی خود، یکی از آموزه‌های جدی رواقی را نمی‌پذیرد. کندی با اینکه طرح کلی استدلال‌های رواقی را در باب مهارت‌های اندوه می‌پذیرد اما نتیجه فلوطینی اتخاذ می‌کند (آدامسون، ۱۳۹۹: ۲۶۵).

همانطور که بیان شد رواقیون بر این باورند که انسان فضیلت‌مند حقیقت خوب است. و شخصیت مقابلش یعنی شخص شرور بد است (سلرز، ۱۴۰۰: ۷۱). به عبارت دیگر خوبی و بدی به اشیا بر نمی‌گردد بلکه به انسان‌ها بر می‌گردد. اما آن‌ها در عین حال بر این باور بودند که گاهی اوقات می‌توان مواردی همچون سلامت و ثروت مصداقی از انتخاب عقلانی باشند؛ انسان برای تندرستی و رفاه ارزش قائل است. اما هیچ یک از این امور، به آن نحو که شخصیت فضیلت‌مند خوب است، خوب نیست. این امور را رواقیون بی‌تفاوت‌های مرجح می‌خوانند. همه این امور اگر با شخصیت فضیلت‌مند در تعارض نباشند مشکلی در حصول آن‌ها برای انسان نیست. به نظر رواقیون، زندگی خوب و سعادت‌مند آن زندگی است که، در هماهنگی با فضیلت باشد، یعنی باید در هماهنگی با جهان طبیعی بیرون در هماهنگی بالطبع انسانی خودمان زندگی کنیم. اما کندی، چنین دیدگاهی از رواقیون را نمی‌پذیرد.

کندی بیان می‌کند که اگر امور بیرونی مانند ثروت و سلامت، انتخاب‌های بارزشی باشند، در این صورت سلامتی نفس بیمار مهم‌تر و ارزشمندتر از آن است. زیرا امور معقول دستخوش فساد نیستند و در اثر فقدان نمی‌توانند انسان را دچار اندوه کنند. به زعم آدامسون تمایز اساسی معرفت‌شناسی کندی در معقولات و محسوسات در رساله به مثابه تمایز بنیادین در اخلاق او است. ثبات و تداوم در معقولات این امکان را فراهم می‌آورد تا مناسب‌ترین موضوع برای کسب دانش باشد؛ علاوه بر این معقولات مصداق امور بارزش هستند. درحالی‌که محسوسات به واسطه ماهیت فانی و ناپایدار، نه تنها برای انسان یا مرد حکیم مطلوب نیستند که او را به اندوه هم می‌رسانند (Adamson, 2007: 152-153). سعادت از منظر کندی کاملاً درواقع شدن در حوزه معقولات و تأمل عقلی است نه در دستیابی به امور بیرونی. او با نقد این امر که رواقیون در ایده هماهنگی با طبیعت کاملاً دنیای فانی را که محل فساد و انقراض است، اندیشه سعادت را در آن‌ها به چالش می‌کشد. کندی شیوه زندگی خود را به طور کامل در این رساله در نوشتار یک موضع اخلاقی تقریر می‌کند. او نتیجه اخلاقی را از اصول نظری فلسفه خود در باب نفس مجرد و عالم معقول اقتباس می‌کند.

در رساله و در یک مورد خاص کندی به شیوه زیستن یا دانش عملی توجه نشان می‌دهد که گفتار نظری مبتنی بر اندیشه مفارقت از بدن و علم معقول پایدار، انعکاسی از آن است. بدین لحاظ می‌توان گفت که کندی که از اندیشه التقاطی پیشینیان و صبغه دینی خود بهره وافر گرفته است، اما نظام فلسفی‌اش چه از نظر و چه از عمل اساساً بازنمودی از فلسفه به مثابه روش زندگی است. کندی همچون رواقیون رویکرد یونانیان فلسفه را در بعد نظر دانشی متقدم بر همه علوم می‌داند و فیلسوف را کسی می‌داند که بر علم اولی احاطه دارد و در بعد عمل با ارائه دستورالعمل‌هایی مبنی بر همان گفتار فلسفی توحیدی خود و مبنی بر مفارقت نفس و بدن عمل به زهد و تهذیب نفس فلسفه‌ورزی را تعریف

می‌کند. اما درواقع فلسفه‌کندی، شیوه زندگی فلسفی اوست. شیوه و روش زندگی فلسفی که می‌تواند در مقابل سبک شیوه و روش زندگی غیرفلسفی قرار بگیرد. گفتار فلسفی او گزینش روش زندگی توحیدی وی را توجیه می‌کند و بر آن شیوه زندگی تأثیر می‌گذارد. گفتار فلسفی و شیوه زندگی‌ای که درجهت تشبه به حق است که درواقع همان سعادت مدنظر فیلسوفانی چون کندی است.

نتایج

هدف این پژوهش تحلیل خوانش ایده فلسفه به مثابه روش زندگی در نظام فلسفی اولین فیلسوف مسلمان یعنی کندی و در رساله مهارت‌های مواجهه با اندوه مورد بود. درواقع می‌توان به طور مختصر از مجموع مطالب بیان شده ارائه کرد:

۱. در نگرش فلسفه به مثابه روش زندگی، غایت فلسفه‌ورزی دگرگونی فرد در جهت رسیدن به بهترین خود در عالم است. در این نگرش، فهمی متمایز از آنچه تاکنون از فلسفه داشته‌ایم ارائه می‌گردد. جانمایه دگرگونی خود در تمرین‌های معنوی نهفته است. تمرین‌های معنوی در هر مکتب درواقع بیانگر تلاش فیلسوف در جهت رسیدن به حکیم آرمانی مکتب خود بوده است.
۲. مکتب رواقیون یکی از منابع مهم و موثر بر اندیشه کندی بوده است. رواقیون غایت اصل زندگی را در توافق با طبیعت و پیروی از آن دانسته و فضیلت‌مندانه زیستن و پذیرش سرنوشت خود شروط بنیادین برای حصول سعادت مفروض می‌پنداشتند.
۳. با تحلیلی از رساله مذکور، تلاش شد تا با کلیاتی از طرح فلسفی کندی، نشان داده شود که مبانی نظری رساله نمایانگر شیوه دستورالعمل‌های مواجهه با اندوه است. کندی فیلسوفی است که نه تنها از سنت‌های مختلف مکاتب یونان بهره برده است بلکه آموزه‌های اسلام با کل وجود و زیست او تنیده است. لذا همچون هر متفکر دیگر تلاش می‌کرده تا با کسب دانش در پرتو نگرش توحیدی خود، واقعیت‌های زیستی اش از جمله دین را تبیین کند. رساله مهارت‌های رواقیون با اندوه کندی، مثال بارزی از فلسفه‌ورزی کندی است در مقام عمل که در آن کندی فلسفه را به مثابه یک شیوه زندگی می‌بیند. او تمرین‌های معنوی مانند رواقیون در مواجهه با اندوه ارائه می‌کند. در عین حالیکه این تمرین‌ها متنوع‌اند، اما هدف آن همان کسب سعادت یا حصول دانشی است که در آن انسان به حقیقت خود برسد و براساس آن عمل کند. حقیقتی که در اندیشه کندی همان تشبه به حق است.
۴. آنچه کندی را از رواقیون متمایز می‌کند نگاه توحیدی او است. کندی متأثر از اندیشه رواقیون، رساله‌ای را نگاشته است، اما نگرش وجودی او عناصری غیر رواقی‌ها را در آن متبلور می‌سازد. این امر دلیل مشخص‌تری به این نکته است که کندی فلسفه را به مثابه روش زندگی می‌داند و حصول سعادت را توأمان در هر دو بعد دانش و عمل می‌دیده است. تفکر متمرکز بر خدای خالق فراتر از

هرآنچه که هست بنیان آموزه دینی کندی است که او را از ایده هماهنگی با طبیعت جدا می‌سازد. کندی رواقی‌گری خود را با عناصری از کلام اسلامی و متافیزیک فلوطینی تلطیف می‌کند. رواقی‌گری کندی درواقع، پرورش و تربیت فیلسوفی است که به سمت یک الگوی پایدار از مدل انسان که متشبه شدن به حق است می‌باشد.

۵. پروژه فکری کندی بازگشتن به خویشتن را فراهم می‌کند. این بازگشت امکانی را فراهم می‌کند تا شخص با دستیابی به آرامش راستین با خواسته الهی هماهنگ شود و به آن تقرب یابد. فیلسوف مدنظر کندی که در مسیر تعالی خویشتن، و در حد توان خویش، تلاش می‌کند تا به فعل حق شبیه‌تر گردد. او شیوه خود را دنبال می‌کند. شیوه زندگی که بر پایه این اندیشه توحیدی یعنی جدایی نفس از بدن برپا گشته است و از هیچ تلاش برای تحصیل چنین زندگی فرو نمی‌گذارد.



منابع

- اکبرزاده، حوران (۱۳۸۹). رویکرد فلسفی کندی در مورد راهکارهای مقابله با حزن و اندوه. تأملات فلسفی سال دوم تابستان ۱۳۸۹ شماره ۶. صفحه ۱۲۳-۱۳۹
- بخشنده بالی، عباس (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی رویکرد فلسفی کندی و سهروردی پیرامون پیشگیری و درمان حزن دنیوی. مطالعات اسلام و روانشناسی سال سیزدهم بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره ۲۴.
- _____ (۱۳۹۹). تغییر نگرش در زندگی به مثابه پیشگیری و درمان اندوه: بررسی دیدگاه کندی، رازی و ابن حزم. پژوهش در دین و سلامت دوره ۶ بهار ۱۳۹۹ شماره ۱. صفحه ۱۴۴-۱۵۲
- پلیوچی، ماسیمو (۱۴۰۰). عشق به سرنوشت: چگونه رواقی باشیم. ترجمه مهدی وفایی. تهران: موسسه فرهنگی سروش مولانا.
- رابرتسون، دونالد (۱۴۰۲). چگونه مانند مارکوس اورلیوس بیندیشیم. ترجمه همایون جمشیدیان. تهران: انتشارات مروارید.
- سلرز، جان (۱۴۰۰). کمک‌های فلسفه: درس‌های اساسی فیلسوفان رواقی. ترجمه شهاب‌الدین عباسی. تهران: انتشارات مان کتاب.
- کندی، ابویوسف یعقوب بن اسحاق (۱۳۸۲). مجموعه رسائل فلسفی کندی. ترجمه سیدمحمود یوسف ثانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کندی، یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۲). مهارت‌های رویارویی با اندوه. ترجمه محمد نصراصفهانی و سیدمحسن دوازده امامی. تهران: انتشارات سرایی.

References

- Adamson, Peter. (2007). *AL-KINDI (Great Medieval Thinkers)*. From Series of Oxford University Press.
- Adamson, Peter. ,& Pormann, Petter E. (2012). *The Philosophical Work of AL-KINDI*. Oxford University Press UK.
- Akbarzadeh, Horan (2010). Kendi's Philosophical Approach Regarding Options for Dealing with Sorrows and Sadness. Volume 2, Issue 6 , July 2010, Pages 123-139. (In Persian)
- Al-Kandi, Abu Yusuf Ya'qub b. Ishaq. (2008). *Rasail Al-Falsafiyya*. Translated by Seyyed Mahmoud Yusuf Thani. Tehran: Elmifarhangi Pub. (In Persian)
- Al-Kindi, Ya'qub b. Ishaq. (2023). *Risalat Fi Allhilat Lidafe al' Ahzan*, Translated by Mohammad Nasr Isfahani& Seyyed Mohsen Davazdah Emami. Tehran: Saraee Pub. (In Persian)

Bakhshandeh-Bali A. (2020) Changing Attitude toward Life as a Prevention and Treatment of Grief; a Review of Al-Kindi, Razi and Ibn Hazm's Views. *Journal of Pizhūhish dar dīn va salāmat*. 2020; 6 (1): 144-152. (In Persian)

Bakhshandeh-Bali A. (2019). A Comparative Study on Kennedy's and Suhrawardi's Philosophical Approaches to the Prevention and Treatment of Worldly Sorrow. Volume 13, Issue 24-Serial Number 24 November 2019, pp. 95-115. (In Persian)

Chase, M. (2024). *Pierre Hadot and His Critics on Spiritual Exercises and Cosmic Consciousness*. From Ancient Philosophy to Contemporary Neurology. In Hadot and Foucault on Ancient Philosophy, pp. 137-162.

Hadot, Pierre. (1995) , *Philosophy as a Way of Life: Spiritual Exercises from Socrates to Foucault*. Translated by Michael Chase, Blackwell Oxford UK& Cambridge USA.

Hadot, Pierre. (2002). *What Is Ancient Philosophy?*. Translated by Michael chase, Belknap Press of Harvard University Press Cambridge: Massachusetts, London, England.

Pigliucci, Massimo. (2017). *How to be a Stoic: Using Ancient Philosophy to Live a Modern Life*. Translated by Mahdi Vafai. Tehran: Soroosh-e Mowlana Pub. (In Persian)

Robertson, Donald. (2019). *How to Think Like a Roman Emperor: The Stoic Philosophy of Marcus Aurelius*. Translated by Homayon Jamshidian. Tehran: Morvarid Pub. (In Persian)

Sellars, John. (2017). *The Pocket Stoic*. Translated by Shahabuddin Abbasi. Tehran: Ketabmaan Pub. (In Persian)

Lim, B. ,& Viegas, J. (2017). *AL-KINDI the Father of Islamic Philosophy*. Rosen Publishing Group: New York.

Robertson, Donald. (2013) , *Stoicism and the Art of Happiness*, Hodder and Stoughton An Hachette UK Company.

Sharpe, Matthew. ,& Ure, Michael. (2021). *Philosophy as a Way of Life*. From Antiquity to Modernity Bloomsbury Academic.

Toulmin, Stephen. (2001). *Return to Reason*. Harvard University press: Cambridge, Massachusetts, London, England.